

بازگشت به مدرسه: سیاستمداران در آزمایشگاه

رها فرهادنژاد

دانشجوی کارشناسی زیست‌فناوری دانشگاه تهران

Raha.farhadnejad@ut.ac.ir

نیستند. پیش‌زمینه آن‌ها ممکن است هر چیز دیگری-حقوق، علوم انسانی یا الهیات- باشد بنابراین حتی در بالاترین سطوح قدرت در جامعه، به دانشمندانی نیاز است که علم را قابل فهم سازند.

با وجود اینکه هنوز بحث‌های زیادی بر سر میزان مشارکت دانشمندان در آگاه‌سازی سیاستمداران وجود دارد اما این مسأله از همان ابتدا مورد توجه اهل علم بوده است. نوع این ارتباط اما بسته به مورد فرق می‌کند. برای اینکه تصویری از این میان کنش‌ها داشته باشیم می‌توانیم به نمونه‌های آن نگاهی بیاندازیم.

نمونه‌های تاریخی از برخورد علم و سیاست

۱) شروع اتفاق‌ها

هنگام پایه‌ریزی علم مدرن در رنسانس، رسم معمولی بود که اشراف اروپایی از چنین کوشش‌هایی حمایت کنند. در مقابل، اهل علم و فن معمولاً تلاش می‌کردند تا از طریق ارائه‌های جذاب در محافل اشرافی توجه نخبگان جامعه را جلب کنند. سالن‌های فرهنگی و ادبی گرچه بیشتر به این دو حوزه اختصاص داشتند اما هر از چندی میزبان دانشمندانی بودند که می‌خواستند قشر مرفه نوظهور اروپایی را به علم علاقه‌مند کنند. این مسأله در کنار توجه و سرمایه‌گذاری قدرت‌ها برای رسیدن به تکنولوژی‌هایی که به آن‌ها دست بازی در معادلات نظامی و اقتصادی می‌داد کمک فراوانی به پیشرفت علم کرد. این پیشرفت علم در رنسانس و عصر روشنگری باعث شد که علم در زندگی روزمره مردم هم نفوذ پیدا کند. در همین سال‌ها بود که جامعه علمی به‌عنوان یک صنف در حال شکل‌گیری بود و انجمن‌های علمی در اروپا مانند انجمن بریتانیایی پیشبرد علم شکل می‌گرفتند. یکی از کارکردهای این مجامع برگزاری جلسات سالانه‌ای بود که در آن دانشمندان برای عموم ارائه می‌دادند. این مردم در سال‌های آینده به صدایی برای علم در جوامع رو به دموکراسی اروپایی تبدیل شدند (۱).

۲) علم در خدمت نژادپرستی و علیه آن

در دهه ۳۰ انجمن آمریکایی دانشمندان (American association for science workers) شکل گرفت که هدف آن تشویق دانشمندان به جهت‌گیری و شرکت در مباحثات سیاسی بود. به اقتضای زمانه این انجمن تلاش برای مبارزه با فاشیسم و نژادپرستی را آغاز کرد.

در فرهنگ عامه ما داستان از دانشمندان تیزهوش یا حکیمان فرزانه که حاکمان خون‌خوار را رام می‌کنند یا دست‌کم کاری می‌کنند که نیروهای ویرانگر آن‌ها کمی مهار شوند، کم نیست. همه ما داستان هولاکوخان و خواجه نصیرالدین طوسی را شنیده‌ایم؛ راست یا دروغ، این نگاه همیشه در فرهنگ ما بوده است که صاحبان خرد اگر بخواهند می‌توانند نقش‌های اجرایی پررنگ داشته باشند.

اما بیشتر اوقات بحث بر سر پذیرفتن نقش‌های سیاسی نیست. در جوامع ما امروزه دانش بسیار تخصصی شده و افراد وظایف مشخص و جداگانه‌ای را می‌پذیرند. یک نفر سال‌های زیادی را صرف آموختن یا حداقل فعالیت سیاسی کرده و جای خود را در ساختارهای حکومتی باز می‌کند و یک نفر به صنف علم می‌پیوندد و عمر خود را وقف تولید دانش می‌کند. این تخصصی شدن اجتناب‌ناپذیر و البته مفید است؛ اما این خطر را هم به وجود می‌آورد که اگر افراد از تخصص‌های مختلف با ادبیات هم‌آشنایی نداشته باشند چه می‌شود؟

علم هم در این دوران شاخه‌ای است از دانش با چهارچوب معین، روش تعریف شده که بیشتر از هر زمان دیگری زندگی ما را تحت تأثیر قرار داده است. علم اساس مهندسی فناوری‌های جدیدی است که ما به طور روزمره از آن‌ها استفاده می‌کنیم. شاخه‌هایی از علم مانند پزشکی و کشاورزی چهره جوامع و سبک زندگی را تغییر داده است. علم با تغییر نگاه ما به جهان، در باورها و سنت‌های ما نفوذ کرده است و گرچه بنا به تعریف «بی‌طرف» و «بدون وارد کردن نگاه شخصی» است، اما واکنش افراد جامعه به آن بسیاری از مناقشه‌های امروزی را به وجود آورده است. علم همه‌جانبه، گسترده و عمیقاً تأثیرگذار است و چنین خصلتی باعث می‌شود که نتوان آن را از نیروهای کنترل‌کننده جامعه از جمله سیاست جدا کرد.

سیاست‌گذاران از راه‌های مختلف علم را تحت تأثیر قرار می‌دهند. تخصیص بودجه، تصویب قوانین و یا اعمال سلیقه ایدئولوژیک تنها چند نمونه است. در مقابل علم هم باید به دنبال تأثیرگذاری روی سیاست باشد. علم تلاشی است برای پاسخ به سوالات انسان و در همین راستا راه‌حل‌های مختلفی را هم برای حل مشکلات ما پیشنهاد می‌کند. برای همین بسیار مهم است که مسئولان جامعه اهمیت علم را درک کنند و برای سخن دانشمندان گوش شنوا داشته باشند. توجه کنید که سیاستمداران همیشه دارای تحصیلات در زمینه علوم پایه یا کاربردی

مالی دست به گریبان بود، به وجود آمد. این که این اتفاق چطور افتاد داستانی خواندنی است که دکتر دلویی در خاطراتش آن را نگاشته است. او با پیگیری‌های فراوان در نهایت می‌تواند موافقت ساخت یک موسسه پژوهشی در زمینه ژنتیک را از مسئولان وقت کسب کند. کاری که حتی با در نظر گرفتن شرایط اقتصادی بهتر به راحتی انجام نمی‌شود. اکنون جایگاه علوم زیستی در پژوهش‌ها و نوآوری‌های کشور بسیار پررنگ است که بخش زیادی از آن به تلاش‌های پیشگامان این حوزه برای جلب نظر تصمیم‌گیرندگان کلان برمی‌گردد (۲).



مرکز ملی تحقیقات ژنتیک و زیست فناوری در سال ۱۳۶۶ به کوشش و با پیگیری مستقیم دکتر دلویی و سیاست‌گذاران وقت تأسیس شد

نمونه‌های مختلفی را از تلاش دانشمندان برای جلب نظر سیاستمداران دیدیم؛ اما نقش سایر نهادها در بازتاب صدای علم در سیاست چیست؟

علم، جامعه و سیاست

یک مثلث را در نظر بگیرید که اضلاع آن علم، جامعه و سیاست باشد. به این ترتیب هر کدام دو به دو به هم مربوط می‌شوند. نگاهی به رابطه سیاست و علم انداختیم. ارتباط جامعه و علم هم همان موضوع اصلی ترویج علم است؛ اما رابطه جالب توجه دیگر ارتباط جدایی‌ناپذیر جامعه و سیاست است. اگرچه دانشمندان می‌توانند به‌طور مستقیم نهادهای قدرت را مخاطب قرار دهند اما راه دیگر، تأثیرگذاری غیرمستقیم از طریق جامعه است. اینکه مردم چقدر در تصمیم‌گیری نهادهای قدرت نقش داشته باشند، به بافت سیاسی هر کشور برمی‌گردد؛ اما حتی اگر تأثیرگذاری چندان هم مستقیم نباشد، اگر افکار عمومی بر موضوعی متمرکز شود می‌تواند سیاستمداران را وادار به انجام کاری بکند.

نمونه خوب آن تشکیل احزاب محیط زیستی است. با پیشرفت علوم محیط‌زیست و سپس ایجاد جریان‌های آگاه‌سازی عمومی، در طول چندسال سیاست هم به این جنبش‌ها پیوست. در بسیاری از کشورها احزابی تشکیل شدند که هدف آن‌ها کمک به بهبود شرایط زیست محیطی و توسعه پایدار است که از بین آن‌ها می‌توان به حزب سبزهای

دانشمندان به نیروهای فعال علیه عقاید شبه علمی اواخر قرن نوزدهم در رابطه با مفهوم نژاد تبدیل شدند که مدت‌ها علم را آلوده کرده بود. این تلاش‌ها بعدها هم‌زمان با جنبش‌های حقوق مدنی آمریکا به ایجاد برابری نژاد کمک کرد. همچنین کمی بعد در دوران جنگ سرد بسیاری از مجامع علمی این کشور در مورد خطر جنگ‌های هسته‌ای هشدار دادند.

جنگ سرد همچنین نقطه عطف مهم دیگری برای علم و سیاست در آمریکا داشته است؛ پس از ارسال ماهواره اسپاتنیک ۱ و ۲ توسط شوروی به فضا، ریاست جمهوری آمریکا تصمیم به استخدام پست جدیدی گرفت: مشاور علمی ریاست جمهوری آمریکا. از آن زمان تاکنون دانشمندان مختلفی از حوزه‌های گوناگون در این پست به رئیس‌جمهور این کشور مشاوره دادند.



جان هولدرن مشاور علمی ریاست جمهوری آمریکا، رئیس‌جمهور سابق این کشور باراک اوباما را در رویداد مربوط به نجوم و ستاره‌شناسی راهنمایی می‌کند

۳) در ایران ما چه خبر؟

شاید داستان‌های ایرانی‌هایی که در دوران مشروطه برای تحصیل به فرنگ اعزام شدند و بعد از بازگشت به وطن سفیر آگاه‌سازی مردم و سیاستمداران شدند را شنیده باشید. کسانی که برای بهبود وضعیت با کمک روش علمی تلاش کردند. در آن دوران با توجه به پیشرفت پزشکی و نیاز مبرم کشور به روش‌های جدید، گفتمان علمی با سیاست منجر به استفاده از روش‌های جدید پزشکی شد. در دهه‌های بعد ارتباط دوطرفه میان قدرت و علم، اعزام نیروها برای تعلم به خارج و بازگشت آن‌ها و تأثیرگذاری آن‌ها بر نهادهای تصمیم‌گیرنده، اجرای انواع عملیات عمرانی را سرعت بخشید. در این بین یک نمونه جالب توجه تأسیس «مرکز ملی تحقیقات مهندسی ژنتیک و زیست فناوری» است.

این مرکز در سال ۱۳۶۶ به کوشش دکتر محمدرضا نوری دلویی تأسیس شد. همان‌طور که از سال تأسیس پیداست این مرکز در زمان جنگ و درست وقتی که کشور از هر جهت تحت فشار و با مشکلات

سیاسی نداشته‌اند بسیار به چشم می‌خورد. این مساله هم مطرح می‌شود که دانشمندان ایرانی ماندن در فضای دانشگاهی و عدم حضور در عرصه‌های اجتماعی/سیاسی را ترجیح می‌دهند و این باعث شده است سیاست‌گذاران ما آگاهی کامل از علوم جدیدتر که در گذشته مطرح نبودند، نداشته باشند. محیط‌زیست و توسعه پایدار از مثال‌های خوب است. گرچه عبارت دوم اخیراً در گفتمان‌های سیاسی جا باز کرده است و مشاهدات جدید از مشکلات وسیع زیست‌محیطی و توسعه غیر پایدار خبر می‌دهند اما سرمایه‌گذاری از طرف دولت و نهادهای دیگر به اندازه کافی صورت نمی‌گیرد یا حداقل، طرح‌های مربوطه چندان عملیاتی نمی‌شوند.

در هر صورت مانند هر کار دیگری، ترویج علم برای سیاست‌چالش‌ها و نقاط قوت خودش را دارد که تأمل در هر کدام شایسته است.

چالش‌ها

بخش اعظمی از این چالش‌ها مربوط به عدم درک مباحث بنیادین از سوی سیاست‌گذاران ایران است. شاید آگاه‌سازی در زمینه فلسفه علم یا روش علمی برای درک بهتر علوم کمک کننده باشد؛ اما معمولاً نادیده گرفته می‌شود. در حالی که که شفاف‌سازی آن کمک زیادی به آشتی با علم کرده و نوعی ادبیات مشترک ایجاد می‌کند.

۱) علم چیست؟

به نظر می‌رسد که نوعی اغتشاش معنایی در مورد ماهیت علم برای سیاستمداران ایرانی وجود دارد و بعضاً مواردی که ممکن است «شبه علم» و یا «غیرعلمی» تلقی شوند را تحت عنوان علم طبقه‌بندی کنند. بخش اعظمی از این مشکلات ریشه در باورهای سنتی دارد و شاید در مرحله اول نیاز باشد که تفکیک این دو را به سیاست‌گذاران ایران آموخت.

مثال: بررسی تأثیر یک نیروی ماوراءالطبیعه بر رشد گیاهان، یک مسأله علمی نیست؛ زیرا که فاقد آزمایش‌پذیری که از ویژگی‌های مهم روش علمی است، می‌باشد.

۲) علم به شکل یک مجموعه می‌آید

به نظر می‌رسد که این یکی از اثرات جانبی مورد اول باشد؛ اما به خاطر گستردگی آن جای بررسی دارد. ظاهراً در فضای سیاسی ایران، چیزهایی که ممکن است در چهارچوب علم قرار بگیرند به شیوه غیر روشمند حذف می‌شوند. البته اگر مفهوم علم برای آن‌ها کامل توضیح داده شود شاید این مشکل برطرف شود.

آلمان اشاره کرد (۳).

به این ترتیب دانشمندان می‌توانند با استفاده از مردم و تأثیرگذاری بر افکار عمومی قدرت بیشتری را برای رساندن صدای خود به دست آورند.



نظارات طرفداران حزب ائتلاف ۹۰/سبزهای آلمان، از برجسته‌ترین احزاب طرفدار محیط‌زیست در جهان. در این اعتراض تظاهرکنندگان ناخشنودی خود را در محل دفن زباله‌های هسته‌ای در شمال آلمان بیان می‌کنند. (پاییز ۲۰۰۸)

ارتباط میان جامعه علمی و سیاست در ایران چه گونه است؟

در دو دهه اخیر سیاست ایران توجه زیادی به رشد علمی و در آمار بین‌المللی رشد زیادی در نرخ تولید علم داشته است. همچنین با حمایت‌های دولتی ایران به پیشرفت‌هایی در علوم که در چشم‌انداز ۱۴۰۴ آمده دست پیدا کرده است. (۴) دانشمندان ایرانی مسلماً نقش مرکزی در رسیدن به این پیشرفت‌ها داشته‌اند؛ اما شاید بیشتر تأکید روی همان علوم-مانند انرژی هسته‌ای، هوافضا، بیوتکنولوژی و فناوری نانو- که در سند ۱۴۰۴ آمده است باشد. این مسأله مطرح است که چه تعداد از این فعالیت‌های علمی با پیشنهاد دانشمندان صورت گرفته است و نه به خاطر سرمایه‌گذاری یا نیاز دولت؟ به عبارتی نقش فعالان دانشمندان در جلب توجه سیاستمداران به همه جنبه‌های علوم چه بوده است؟

عدم حضور پررنگ افراد علمی و غیرسیاسی در گفتمان‌ها از دیگر موارد قابل تأمل است. بسیاری از سیاست‌گذاران ایرانی دارای تحصیلات در حوزه‌های مربوط به علوم و مهندسی هستند. این افراد به‌طور سنتی در فضای سیاسی ایران حضور داشته‌اند و طبیعتاً با توجه به توانمندی‌هایشان مسئولیت‌های این حوزه‌ها را پذیرفته‌اند؛ اما عدم حضور نیروهای تازه نفس علمی و یا نیروهایی علمی که به‌طور سنتی و از ابتدا نقش

مثال: تکامل یک واقعیت علمی است و نمی‌توان آن را با روش‌های غیرعلمی نقض کرد.

۳) علم لزوماً در تضاد با ایدئولوژی قرار نمی‌گیرد

می‌توان به پیشرفت علمی دست پیدا کرد حتی اگر گزاره‌های علمی با ایدئولوژی‌های عمومی ما در تضاد باشد. چون علم بطلان پذیر است. پس یک گزاره علمی نمی‌تواند جواب قطعی برای رد یک گزاره غیرعلمی - مثلاً یک گزاره عقیدتی - باشد. پس اساساً پیشرفت علم منافاتی با پیشرفت حوزه‌های دیگر ندارد. توجه به این نکته ممکن است باعث شود قهر عقیدتی بخشی از سیاست‌گذاران با مباحثی از علم شکسته شود.

چالش‌های دیگر مربوط به درک رابطه علم با سایر ابعاد جامعه است. علم فقط محدود به آزمایشگاه نیست! اما همه این را نمی‌دانند.

۱) تلاش ارزشمند

تلاش در هر صورت ارزشمند است؛ اما در مورد علم به خصوص علوم کاربردی فقط این مسیر نیست که اهمیت دارد. به نظر می‌رسد که ما با رسیدن به یک سطح از موفقیت به آن راضی می‌شویم در حالی که باید توجه سیاستمداران را به این سمت برد که علم تولید شده را برای حل یک مشکل به کار ببرند.

۲) پایه یا انسانی؟

علوم پایه و کاربردی شاید در سطوحی حمایت شوند؛ اما این ارتباط حسنه در مورد علوم انسانی شاید به این وضوح نباشد. موضوع این مقاله در مورد علوم پایه و کاربردی و ترویج آن برای سیاستمداران است. علوم انسانی مانند جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و... نیز بخشی از بدنه دانش ما را تشکیل می‌دهند. گرچه روش‌ها در این دو متفاوت است؛ اما هر دو در تلاش برای پاسخ دادن به سوالات ما هدفی مشترک دارند. علوم پایه را نمی‌توان از انسانی جدا کرد؛ زیرا که بخش زیادی از پیشرفت در علم وابسته به پیشرفت در علوم انسانی است. همچنین در حال حاضر شاخه‌های این دو علم بیش‌تر از هر زمان دیگری ترکیب می‌شوند. امروزه دور از ذهن نیست مسائلی که به صورت سنتی در حوزه علوم انسانی بررسی می‌شدند در علوم پایه هم مطالعه شوند. مثلاً علم سوسیوبیولوژی یا زیست‌جامعه‌شناسی جوامع را از دید زیست‌شناسی بررسی می‌کند. یا علوم شناختی از ارتباط میان علوم اعصاب، فلسفه، روان‌شناسی، علوم داده و... به وجود آمده است و تلاش دارد فرایندهای شناختی انسان را توضیح دهد.

این مسأله را باید تفهیم کرد که بدون داشتن ذهن پویا که علوم انسانی کمک زیادی به آن کمک می‌کند نمی‌توان انتظار تولید نوآورانه علم را داشت.

۳) علم، علم است

هر دولتی بنا به نیازهای خود، روی حوزه‌های علمی سرمایه‌گذاری می‌کند. با این حال به نظر می‌رسد توجه گاهی از سوی علمی که کشور به آن‌ها نیاز دارد برداشته شده است. به نظر می‌رسد این وظیفه حوزه‌های مختلف است که صدای خود را هرطور شده به گوش سیاستمداران برسانند و سعی کنند حمایت آن‌ها را برای حوزه خود جلب کنند. اگر افراد از تمام حوزه‌های جامعه علمی در این راستا تلاش کنند، در آن صورت علم به صورت متوازن پیشرفت می‌کند.

۴) علم فقط در آزمایشگاه نیست

علوم کاربردی و فناوری قرار است به کار گرفته و تأثیرگذار باشند. این تأثیرگذاری زمانی رخ می‌دهد که اقتصاد و جامعه هم با علم همراه شود. بدون ایجاد بستر لازم علم نمی‌تواند تأثیرگذاری خود را نشان دهد. خوب است که مروجان علم این نکته را که به نظر می‌رسد نادیده گرفته شده است هم گوشزد کنند.

۱ در دنیای امروز

دو نمونه خوب از ارتباط مستقیم بین سیاستمداران و دانشمندان را در اینجایی بینیم:

دیدار علم و پارلمان

این عنوان دیدار سالیانه دانشمندان برجسته استرالیا و مجلس این کشور است. در این رویداد با نام انگلیسی science meets parliament بالغ بر ۲۰۰ نفر از اعضای فعال در حوزه علوم، فناوری، مهندسی و ریاضیات سعی می‌کنند محاسن پیشرفت در این حوزه‌ها را به تصمیم‌گیرندگان کلان معرفی کنند و همچنین تأثیرات آن را بر سیاست توضیح دهند. این رویداد سالیانه شامل سخنرانی‌های دانشمندان، اهل رسانه و سیاست‌گذاران است. همچنین امکان شرکت در جلسات گفتگو و کارسوق‌های مختلف وجود دارد.

بخش دیگری از این رویداد به دیدار مستقیم نمایندگان و دانشمندان اختصاص دارد که در آن موضوعات مختلف از سوی دانشمندان مطرح می‌شود. همچنین جلسه پرسش و پاسخ از نمایندگان برگزار می‌شود. این رویداد از سال ۱۹۹۹ تا کنون اجرا شده و فرصت مناسبی را برای

مانند اهل رسانه و فعالان حوزه‌های مختلف می‌تواند به رسمی کردن بازتاب صدای علم در سیاست کمک کند. همچنین اگر چنین رویدادهایی به‌خوبی برگزار شود می‌تواند افراد را تحت تأثیر قرار دهد و باعث ایجاد حس آشنایی و صمیمیت بیشتر با علم برای سیاستمداران شود. انعکاس این رویدادها برای اهل رسانه ساده بوده و مردم هم به راحتی در جریان قرار خواهند گرفت.

اما شاید قبل از تمامی این‌ها همه‌چیز باید از خود اهل علم آغاز شود؛ اینکه هر کدام از این روش‌ها انجام شود به همت متخصصان حوزه‌های علم و فناوری بستگی دارد. شاید زمان آن رسیده باشد که دانشمندان ما نقش بیشتری را در حوزه آگاه‌سازی علم برای سیاستمداران بپذیرند و در مسائل سیاسی فعال‌تر شوند. این مهم یک اراده جمعی را می‌طلبد تا الگوی گوشه‌گیرانه این صنف به الگویی پویاتر در مسائل مربوط به تصمیم‌گیری‌های خرد و کلان تبدیل شود. با تربیت هر فرد این امکان به وجود می‌آید که اشخاص مختلف یکدیگر را پیدا کنند و گروه‌های فعال در این زمینه را تشکیل دهند تا در نهایت باعث شنیده شدن صدای علم و عمل به آن در کشور شود.

منابع

- تاریخ علم کمبریج، کالین ران، حسن افشار، انتشارات مرکز.
- تاوان عشق، دکتر محمدرضا نوری دلویی، انتشارات خانه زیست‌شناسی.
- وبسایت رسمی حزب ائتلاف ۹۰/سبزهای آلمان www.gruene.de
- چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی. 5) science and technology Australia: www.scienceandtechnologyaustralia.org.au . 6) The European Commission's science and knowledge service: <https://ec.europa.eu/jrc/en/science-meets-parliament-science-meets-regions> .

دانشمندان استرالیایی به وجود آورده است تا صدای خود را به گوش سیاستمداران برسانند (۵).



دانشمندان استرالیا با نمایندگان مجلس این کشور دیدار می‌کنند

پارلمان اروپا و دانشمندان

مشابه نمونه استرالیایی، پارلمان اروپا از سال ۲۰۱۵ دیدار با اهل علم را طی رویداد «دیدار عام و مجلس» در نظر گرفته است. طی این رویداد اعضای از این اتحادیه که در آن شرکت کرده باشند دیدارهایی با موضوع متمرکز با اهل علم خواهند داشت. اتحادیه اروپا دستورالعملی برای برگزاری این رویداد به اعضای خود داده است که شامل برگزاری جلسات گفتگو میان سیاستمداران و دانشمندان محلی است. (۶)

سخن پایانی

نگاهی به بعضی از برهمکنش‌های علم و سیاست در تاریخ انداختیم و در ادامه رابطه میان جامعه، سیاست و علم را بررسی کرده و نمونه‌های مختلفی از تلاش برای ایجاد یک گفت‌وگو مستقیم در دنیا را عنوان کردیم. به نظر می‌رسد که تلاش دانشمندان برای مردمی کردن علم در نهایت بر رویکرد سیاست‌گذاران هم تأثیرگذار بوده است و همچنین رویدادهای اجتماعی-سیاسی محرکی برای تصمیم‌گیری آن‌ها در حوزه علم بوده است.

امروزه در کشور ما جریان‌هایی برای آگاه‌سازی عمومی مردم در زمینه علم ایجاد شده است که قطعاً قدرت گرفتن این تلاش‌ها در نهایت به تأثیرگذاری روی سیاست از طریق جامعه کمک خواهد کرد؛ اما پیش از آن می‌توان به ساز و کارهای دیگر هم اندیشید.

در نظر گرفتن رویدادهای مشابه نمونه‌های ذکر شده، برای رویارویی مستقیم دانشمندان و سیاست‌گذاران همراه با سایر بازیگران اجتماعی